

قرآن در نوح

استاد محمد فولادگر

در شماره پیشین فصلنامه بخش‌هایی از گفتار امام علی (علیه السلام) در باره قرآن کریم یاد شد و اینک بخشهای دیگری از آن:

امام (علیه السلام) در پایان خطبه پیشین می‌فرماید:

«وان الله سبحانه لم يعظ احدا بمثل هذا القرآن فانه حبل الله المتين وسببه الامين وفيه ربع القلب وينابيع العلم وما للقلب جلاء غيره مع انه قد ذهب المتذكرون وبقی الناسون والملتاسون»^۱

و به یقین خدای سبحان هیچ کس را به چیزی همانند قرآن پند نداده است، به یقین قرآن طناب استوار الهی و سبب ایمنی بخش اوست بهار

* اما در این فراز از کلام خود شش ویژگی برای قرآن یاد نموده‌اند:

۱- کتاب آسمانی که شامل مواظظ الهی باشد همچون قرآن نیامده است، در قرآن کریم می‌فرماید:

«هذا بيان للناس وهدى وموعظة للمتقين»^۲
و این قرآن بیان‌کننده امور برای مردم و هدایت و موعظه و پند برای پروا دادن است.

و نیز می‌فرماید:

«يا ايها الناس قد جاءكم موعظة من ربكم وشفاء لما فى الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين»^۳
ای مردم به یقین برای شما موعظه‌ای از جانب پروردگارت آمد که شافی دردهای درونی شما و مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان است.

و نیز می‌فرماید:

«ادع الى ربك بالحكمة والموعظة الحسنة»^۴
مردم را با حکمت و پند نیکو به راه پروردگارت دعوت کن.

و اگر در آیات قرآن دقت شود مشحون از مواظظ خدا و انبیای او و داستانهای پندآموز و عبرت‌انگیز است.

۲- قرآن حبل الله متین است: حبل به معنای طناب و ریسمان است و طناب همواره وسیله نجات بوده اگر کسی در چاه یا رودخانه و یا دریا می‌افتاد و یا از کوه پرت می‌شد به وسیله طناب او را نجات می‌دادند از این رو هر چه وسیله نجات آدمی باشد از آن به حبل تعبیر می‌شود در قرآن کریم می‌فرماید:

«واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا»^۵

به طناب الهی چنگ زنید و متفرق نشوید.

امام (ع) قرآن را طناب استوار الهی و وسیله نجات آدمی معرفی نموده‌اند.

۳- قرآن سبب امین الهی است: در تعریف

سبب گفته‌اند:

«الذريقه و ما يتوصل به الى غيره»^۶

وسيله است که آدمی به واسطه آن به غیر خود می‌پیوندد، بنابراین قرآن وسیله‌ای که انسان به واسطه آن به خدا می‌رسد و می‌توان گفت تعبیر دیگری از همان حبل است و توصیف به صفت امین، ایمن بخشی آن را می‌رساند.

۴- در قرآن بهار دلهاست. بهار مایه طرب و فرح و شادی انسان است ولی آن که روح انسان را طرب می‌بخشد و فرح معنوی برای آن ایجاد می‌کند تلاوت قرآن و در بوستان سیر کردن و قرآنی شدن است امام (ع) در وصف اهل تقوی می‌فرماید:

«اما اللیل فصافون اقداهم تالین لاجزاء القرآن یرقلونها ترتیلا یحزنون به انفسهم ویستشرون به دواء دائهم فاذا مرو بایة فیها تشویق رکنوا الیها طمعا و تطلعت نفوسهم الیها شوقا و ظنوا انها نصب اعینهم»^۶

و اما اهل تقوی در شب برپا ایستاده و جزء جزء قرآن را با توجه و عنایت به مفهوم آن تلاوت می‌کنند، (و از آنکه بهره کامل از قرآن نبرده‌اند) جانهای خود را محزون می‌سازند و دواى درد خود را در آن جستجو می‌کنند، هرگاه به آیه‌ای برخورد کنند که شوق‌انگیز باشد با امید به سوی آن میل کرده و با جان سرشار از شوق به جانب آن روی می‌آورند و گمان می‌کنند آن نعمت‌های بهشتی در پیش چشم آنهاست.

معمولا تماشای بهار و بوستان گل بسا دو حالت

متفاوت در انسان به وجود می‌آورد، تماشای گل‌های رنگارنگ و با طراوت بهجت و طرب را در آدمی برمی‌انگیزاند و گل‌های پژمرده آدمی را بر عمر از دست داده خود محزون می‌سازد قرآن کریم نیز هم آیات بهجت‌زا و سرور آفرین دارد و هم آیات حزن‌آور و غم‌انگیز، و انسان متقی از هر دو گونه بهره‌برداری می‌کند، از گونه اول شوق و امید در او به وجود می‌آید و از گونه دوم خوف و ترس تا آن اندازه که صدای آتش جهنم را در گوش خود احساس می‌کند.

و ظنوا ان زفير جهنم و شهيقا في اصول آذانهم ۷

۵- قرآن چشمه‌های دانش است: کدام کتابی را می‌توان یافت که هزار و چهارصد و اندی از آن بگذرد و هر روز بیشتر مورد توجه دانشمندان و متفکران قرار گیرد و هر کس به اندازه ظرفیت خود از علوم بی‌پایان آن بهره‌مند گردد و این ویژگی آن پایان‌پذیر نباشد.

امام (ع) می‌فرماید:

ان في القرآن نبا ما قبلکم و خبر ما بعدکم و حکم ما بینکم ۸

به یقین در قرآن خبر آنچه پیش از شما بوده و خبر آنچه پس از شما خواهد بود و بیان حکم میان شما وجود دارد

۶- قرآن زداینده تیرگی دل‌هاست: در گذشته شمشیر و یا نظائر آن هر گاه زنگ می‌زد آن را صیقل می‌کردند و رنگ آن را می‌زدودند تا کارایی پیدا کند، دل آدمی نیز بواسطه گناه و تعلق به دنیا

تیره و تاری می‌گردد تلاوت قرآن و عمل به آن است که زنگ و تیرگی را می‌زداید.

امام (ع) پس از بیان این ویژگی‌های قرآن اظهار تأسف می‌کنند از اینکه آنان که از این چشمه پرفیض الهی بهره‌بردند از دنیا رفتند و دو دسته مانده‌اند که یکی قرآن را فراموش کرده و دیگری خود را به فراموش زده است.

در خطبه ۱۸۲ تعدادی از متذکران قرآن را یاد کرده می‌فرماید:

اوه علی اخوانی الذین تلو القرآن فاحکموه و تدبروا الفرض فاقاموه و احیوا السنّة و امانتو لبدعة دعو للجهاد فاحابوا و وثقوا بالقائد و اتبعوه ۹

دریغاً بر برادرانم که قرآن را تلاوت کردند و با عمل به آن را استوار ساختند و در واجبات الهی اندیشیدند و آن را به پاداشتند و سنت را برپا و بدعت را میرانند و وقتی به جهاد دعوت شدند اجابت کردند و به رهبر خویش اعتماد نموده از او پیروی نمودند.

و امام تعدادی از آنها مانند عمار را نام برد.

و در خطبه دیگر می‌فرماید:

فالقرآن آمر ذاجر و صامت ناطق حجة الله علی خلقه اخذ علیه میثاقهم و ادتهن علیه انفسهم و اکمل به دینه و قبض نبیه (ﷺ) و قد فرغ الی الخلق من احکام الهدی به ۱۰

به قرآن، امرکننده‌ای نهی‌کننده و ساکت‌گویایی است، حجت خداست بر آفریدگانش، خداوند از بندگانش بر عمل به قرآن پیمان گرفته و جانهای آنانرا در مقابل عمل به قرآن گروندگان قرار داده،

نورانیت قرآن را تمام و دین خود را به وسیله آن کامل نموده و پیامبرش هنگامی قبض روح نمود که از تبلیغ احکام هدایت به بندگانش فارغ شده بود.

امام علی (ع) در این بخش از گفتار خود چند مزیت برای قرآن یاد کرده‌اند.

۱- قرآن آمر است و هم ناهی، چنانکه در آیات متعدد قرآن این ویژگی است

ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی یعظکم لعلکم تذكرون ۱۱

خداوند به عدل و احسان و دادن حق خویشان فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و بد و تجاوز به دیگران نهی می‌نماید او شما را پند می‌دهد باشد که متذکر شوید.

۲- قرآن هم صامت است و هم ناطق: صامت خاموش است از این رو که گفتاری است

گردآمده از حروف و کلمات و اصوات و ناطق و گویاست از این جهت که کلام خداست که به وسیله بندگانش را مخاطب قرار داده و با آنان تکلم می‌کند.

۳- حجت خدا بر بندگان اوست: حجت به هر دلیلی گفته می‌شود که راه عذر را بر انسان ببندد در قرآن کریم می‌فرماید:

انعام/ ۱۴۹ قل فله الحجة البالغه

بگو حجت از آن خداست.

خداوند قرآن کریم را بر پیامبر اکرم نازل فرمود و آنچه موجب سعادت و یا شقاوت آدمی است در آن بیان کرد و راه هر گونه عذر و بهانه‌ای بر مردم بست.

۴- به وسیله قرآن از مردم پیمان گرفت: در قرآن کریم می‌فرماید:

حدید/ ۸: و ما لکم لا تؤمنون بالله و الرسول یدعوکم لتؤمنوا بریکم و قد اخذ میثاقکم ان کنتم مؤمنین

چرا به خدا ایمان نمی‌آورید و حال آنکه پیامبر خدا شما را دعوت می‌کند که به پروردگارتان ایمان بیاورید و حال آنکه یک چنین پیمانی از شما گرفته شده اگر آماده‌اید که ایمان بیاورید.

مطابق بعضی از تفاسیر مقصود از این میثاق پیمان فطری از انسانهاست که در آیات قرآن به آن اشاره شده است.

۵- قرآن شما را و در گرو اعمالتان قرار داده، آنجا که می‌فرماید:

مدثر/ ۳۸: کل نفس بما کسبت رهینه

هر کسی گرو کارهایی است که می‌کند.

۶- به واسطه قرآن و اقدام نبی اعظم (ﷺ) دین خود را کامل گردانید، این قسمت اشاره به آیه شریفه:

مائده/ ۳: الیوم اکملت لکم

است که با تأکید خداوند متعال با نصب امام علی (ع) به خلافت دین اسلام را کامل گردانید خطبه‌ای دیگر در نهج البلاغه در وصف قرآن آمده که در نوع خود بی‌نظیر است.

در این خطبه امام (ع) پس از اشاره به علم نامتناهی حق تعالی و شهادت به اینکه پیامبر سفیر وحی الهی و رسول رحمت نامتناهی او بود بندگان خدا را به تقوای الهی سفارش نمود و فوائد تقوا را یاد می‌کند. سپس مزایای آیین اسلام را متذکر شده و بعد از آن به فضائل و عظمت دعوت پیامبر اکرم (ص) پرداخته و در پایان خصائص و ویژگی‌های قرآن را یاد کرده می‌فرماید:

ثم انزل عليه الكتاب نوراً لا تظلماً مصابيح، و سراجاً لا يخبو توقده، و بحراً لا يدرك قمره و منهاجاً لا يضل نهجُهُ و شعاعاً لا يظلم ضَوْوُهُ

سپس خداوند متعال کتابی را بر او فرو فرستاد که نوری است که نوری است که چراغ‌هایش خاموش نمی‌شود و کانون روشنائی است که شعله‌هایش فروغی نمی‌نشیند و دریایی است که به ژرفای آن نمی‌رسند و راه روشنی است که رهروش گمراه نمی‌شود و شعاعی است که نور آن تاریک نمی‌گردد.

و فرقاناً لا يحمده برهانه و تبياناً لا تهدم ادكاته و شفاء لا تحشى اسقامه و عزاً لا تهزم انصاره و حقاً لا تخذل اعوانه

(قرآن) جداکننده حق از باطلی است که برهانش خاموش نمی‌گردد و بیانگری است که ستون‌های آن ویران نمی‌گردد و شفابخشی است که هراسی از بیماری‌ها به دنبال ندارد و مایه عزت و چیرگی است که یارانش شکست نخواهند خورد و حقی است که یاران آن خوار نمی‌گردند.

فهو معدن الايمان و بحبوحة و ينابيع العلم و

بحوره و رياض العدل و غدرانه و ائافی الاسلام و بنیانه و اودیة الحق و غیطانه

قرآن معدن ایمان و اصل وریشه آن و چشمه‌های دانش و دریا‌های آن و باغ‌های عدالت و محل تجمع آب‌های آن و پایه‌های اسلام و ساختمان آن و سرزمین‌های حق و گودیها و دره‌های آن است.

و بحر لا ینزفه المستزفون و عیون لا ینقصها الماتحون و مناهل لا ینغیضها الواردون و منازل لا یضل نهجها المسافرون و اعلام لا یعمی عنها السائرون و آكام لا یجوز عنها القاصرون

قرآن دریایی است که کشتندگان آب، نتوانند تمام آنرا بکشند و چشمه‌هایی است که آب برداران نمی‌توانند بخشکانند (آبشخورهایی است که وارد شونده‌گان آن را نمی‌کاهند و منزل‌هایی است که مسافران راه آن را گم نمی‌کنند و نشانه‌هایی است که سیرکنندگان نسبت به آنها نابینا نیستند و بلندیهایی است که رهروان از آن تجاوز نمی‌کنند و نشانه‌هایی است که سیرکنندگان نسبت به آنها نابینا نیستند و بلندیهایی است که رهروان از آن تجاوز نمی‌کنند

جعل الله ریباً لعطش العلماء و ربیباً لقلوب الفقهاء و محاج لطرق الصلحاء و دواء لیس بعده داء و نوراً لیس معه ظلمة و حبلاً وثیقاً عروته و معقلاً منیعاً ذرّوته

خداوند قرآن را سیراب‌کننده عطش دانشمندان و بهار دل‌های اهل فهم و راه‌های واضح برای رهروی شایستگان قرار داده و نیز دوائی که با وجود آن دردی و نوری که با آن تاریکی نیست و

طناب نجاتی که دستگیره‌های آن مورد اعتماد و پناهگاهی که بلندای آن مانع دسترسی دشمنان است.

و عزاً لمن تولاہ و سلماً لمن دخله و هدی لمن اثم به و عذراً لمن انتحلّه و برهاناً لمن تکلم به و شاهداً لمن خاصم به و فلجاً لمن حاج به و حاملاً لمن حمله و مطیةً لمن توسّم به و جنةً لمن توسم و جنةً لمن استلام و علماً لمن وعی و حدیثاً لمن روی و حکماً لمن قضی

(خطبه ۱۹۸ بخش ۲۵ تا ۳۳)

خداوند قرآن را مایه عزت قرار داده برای کسی که تحت ولایتش قرار گیرد و محل سلامتی است برای کسی که در حوزه آن داخل شود و راهنمایی است برای کسی که به آن اقتدا کند و حجتی است برای کسی که آن را آیین خود قرار دهد و دلیل و برهانی است برای کسی که با آن سخن گوید و شاهد و گواهی است برای کسی با دشمن بستیزد و مایه پیروزی است برای کسی که با آن استدلال کند و کفیل و حافظی است برای آن کس که آن را نشانه خود قرار دهد و سپر استواری است برای آن کس آن را و مایه دانش است برای آن کس که آن را نگهدارد و گفتار تازه‌ای برای آن کس که آن را روایت کند و حکم قاطعی است برای آن کس که با آن داوری کند.

امام در این بخش از این خطبه ۴۲ وصف برای قرآن برمی‌شمارد که هر کدام نیاز به توضیح و ذکر مصادیق آن در خارج دارد که فرصت بیشتری را می‌طلبد.

و در پایان این گفتار به وصیت امام (ع) به فرزنداناش و به همه کسانی که وصیت او به آنها می‌رسد اکتفا می‌کنیم:

فرمود:

والله الله فی القرآن لا یسبقتکم بالعمل به غیرکم (نامه ۴۷ بخش ۵)

خدا را خدا را در نظر بگیرید درباره قرآن، مبادا دیگران به واسطه عمل به قرآن از شما پیشی گیرند.

* پی نوشت ها:

- ۱- نهج البلاغه / خطبه ۱۷۶ / بخش ۲۸
- ۲- آل عمران / ۱۳۸
- ۳- یونس / ۵۷
- ۴- نحل / ۱۲۵
- ۵- آل عمران / ۱۰۳
- ۶- خطبه ۱۹ / بخش ۸
- ۷- نهج البلاغه / حکمت ۳۱۳
- ۸- نهج البلاغه / خطبه ۱۸۲ / بخش ۳۲
- ۹- خطبه ۱۸۳ / بخش ۵
- ۱۱- نحل / ۹۰